



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز پنجشنبه (۱۳) اسفندماه ۱۳۴۹

فهرست مطالب:

۳ - تصویب صورت جلسه روز سه شنبه (۱۱)

اسفند

۴ - قرائت و شور و تعیین موقع جلسه بعد -

ختم جلسه .

۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.
 ۲ - ادامه بحث و تصویب گزارش کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور و ارسال به مجلس سنا .

مجلس ساعت دو و سی دقیقه بعد از ظهر برباست آقای عبدالله ریاضی تشکیل گردید

دکتر دادفر - جناب آقای رئیس نمایندگان محترم مجلس شورای ملی بنده قبل از ورود در بحث کلیات آخر بودجه سال ۱۳۵۰ مملکت بیک مطلب اساسی اشاره میکنم و آن این است که شکر گزارم درگاه خداوندی را که فرصت داده و این امکان نصیب بنده و همکاران من شده است که در این بودجه وقتی صحبت می کنیم که مقارن است با خاتمه نیم قرن سلطنت افتخار آمیز دودمان پهلوی و مقارن است با آغاز نیمه دوم قرن پهلوی (صحیح است) و همچنین مقارن است بایک نقطه عطف تاریخی در روابط کشورهای تولید کننده و صنعتی یعنی تولید کننده مواد خام و کشورهای صنعتی که بطور کامل این نکته از طرف ناطقین محترم بخصوص جناب آقای دکتر الموتی لیدر محترم فراکسیون پارلمانی حزب ایران نوین در مجلس شورای ملی بررسی شد چرا من باین تقارن اشاره می کنم باید به بینیم کشور ما که خوشبختانه در سال آینده بایک مسأله بسیار مهم تاریخ ما یعنی جشنهای دو هزار و پانصد ساله بنیانگذاری شاهنشاهی ایران مواجه است در این نیم قرن

۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .
 (بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان:

دکتر اسفندیاری - آموزگار - بختیاری پور -
 دکتر رضوانی - دکتر صدر - خانیلر قراچورلو - کورس .

غائبین مریض - آقایان:

مهندس اردلان - بهادری - خواجه نوری - مهندس ریاحی - سلیمانی کاشانی - ضیائی احمدی - دکتر ضیائی - مهندس فروهر - فروتن - دکتر متین - تیمسار وحدانیان - دکتر بیگانگی .

۲ - ادامه بحث و تصویب گزارش کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور و ارسال به مجلس سنا .

رئیس - وارد دستور میشوم کلیات آخر لایحه بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور مطرح است آقای دکتر دادفر بفرمائید .

درآمد را نمیتوانید توزیع کنید (دکتر الموتی - حرفتان مخلوط است) شما میخواهید که مخلوطش کنید چون بین صحبت من صحبت میکنید خیلی مسائل است اگر میخواهید توجه نکنید اصراری نیست ولی من نتیجه را بشما میگویم نتیجه این میشود که این توزیع غیر عادلانه طیب و زبروز افزایش پیدا میکند بفع مناطق بیشتر مسکونی و بضرر مناطق بیشتر نیازمند (کاظم مسعودی - چرا پرونده سازی میکنید پزشک محترم است) (پوربابائی - پزشک محترم است) باز هم در آن روز شما خواهید آمد و عین همین استدلال را میکنید و میگوئید چکار کنیم اسلحه که نداریم بزور که نمیتوانیم بفرستیم بعد هم شما بیا برو ولی شما بمن وامثال من امکان بدهید (مسعودی - به امثال شما چطور امکان بدهیم؟) شما که وارد بهمه مسائل نیستید شما وارد پرونده نویسی هستید شما همه مسائل را فی المجلس میخواهید حل کنید (دکتر الموتی - راه حل ارائه بدهید) وقتی شروع میشود به راه حل ارائه دادن وقتی داریم به نتیجه میرسیم که شما با یک تک مضراب هائی که غالباً هم تکراری است نمیگذارید ما راجع به نحوه تقسیم امکانات موجود داریم صحبت میکنیم شما میگوئید یک رویه ای میخواهید در پیش بگیرید که در تهران بیش از همه جای مملکت باشد و در روستاها نباشد؟ خیلی خوب پس اگر اینطور نیست من هم که همین را میگویم که چه باید کرد که یک توزیع عادلانه پزشک و معلم برسیم برای اینکار باید یک سلسله نظامات را رعایت کنیم (دکتر الموتی - سه درصد بودند از بهداشت استفاده میکردند الان ۲۲ درصد است) این را من هم دارم میگویم این ۳ درصد بیست و دودرصد آن شاخص که شما میخواهید نیست اگر میروید دنبال این حرفها بتدریج این شاخص افزایش پیدا میکند ولی هدف هائی که دارید تأمین نمیشود (دکتر الموتی - اظهار نظر صحیح بفرمائید ممنون میشوم) این را نمیتوانم عرض نکنم که آنچه الان موجود است چیزی است که مطلوب شماست و الا هشت سال فرصت داشتهاید که این را در گون کنید (دکتر الموتی - از قول ما نگوئید) والا من آن نظری را که در مورد این مسئله دارم تشریح کردم ما هم همین را میگوئیم که این ضوابطی که شما در پیش

گرفتهاید شما را بطرف مطلوب نمی برد بلکه از سرعت شما میکاهد تمام بررسی و بحث در بودجه معطوف این بود که از اعتباراتی که داریم بهترین استفاده را بکنیم و بهترین نحوه استفاده را نمیکشیم شما میفرمائید سد ساخته شده ولی آیا استفاده از سد را تا آخرین مراحل امکانناش را فراهم کردید آیا از روز اول ب فکر این بودهاید شما باز سدهای دیگری میسازید من میخواهم ببینم این سد که ساخته شد و امروز گل و لای دارد پرش میکند بوسیله مهندس مشاور ساخته شد پناه؟ بوسیله مهندس مشاور ساخته شد اما امروز که متوجه شدید که عوامل ضروری را محاسبه نکرده اند عوامل ضروری قابل محاسبه شدن یعنی مهار کردن خاک که نیاید تری سد این را هم مشاور شما محاسبه نکرده از او شکایت کردید این دعوی کجا مطرح است شما وقتی می آئید می گوئید ما به مستخدمین خودمان کار رجوع نمیکشیم به مهندسین مشاور می دهیم می برسیم چرا می گوئید برای اینکه آنها معتبرند می توانند کار خودشان را تضمین کنند اگر ما به فلان کارمند خودمان که رئیس اداره ساختمان است یک ساختمان را واگذار کردیم و فردا آمد این ساختمان خراب شد و وفرو ریخت خوب آن رئیس اداره را چکارش کنیم فو قش اینکه از کار برکنارش کنید اینکه کار درست نمیشود. ساختمان نمی شود ما میرویم به کمک مهندس مشاور که دارای مؤسسات معتبری هستند اینکار را انجام می دهیم برای اینکه اگر نتایج کار غلط درآمد ما بتوانیم آنها را تعقیب کنیم و خسارت را از آنها پس بگیریم اینجا مهندس مشاور شما درست محاسبه کرده بوده با غلط حالا که غلط محاسبه کرده آیا تعقیبش کردید یا نکردید و آیا این سیستم خودتان را مورد تجدید نظر قرار دادید سیستم استفاده از مهندسین مشاور را یا نه (یک نفر از نمایندگان - روز بروز تکمیل میشود) انشاء الله این نوع موارد ایراد پیدا نمی شود برای اینکه کافی نیست هزار میلیون تومان سرمایه یک ملت بصورت یک سد در می آید بسیار کار خوبی است بشرطی که ما وظیفه مان تبدیل نوع سرمایه باشد یا اینکه باید سرمایه گذاری تنظیم داشته باشد سرمایه را

بیاورید سد درست کنید ولی برای سد کانال کشی لازم را بکنید شبکه های توزیعش را فراهم کنید سرمایه ملی را ببرید زنیاتور برق کنید ولی شهر را در خاموشی باقی نگذارید زنیاتور اگر قرار بشود برق ندهد یک چیزی است و غیر قابل استفاده زنیاتور خاصیتش این است که برق بدهد برای اینکار بشکله اش هم باید توجه بشود وقتی به شبکه اش توجه شد بمصرف کننده هم باید توجه شود باید این توانائی را داشته باشد برنامه سد سازی شما اگر بر همان معیارها باشد تمام این هائی را که بسازید غلط خواهد بود شما آن زمانی که شبکه این آبیاری فراهم شد باید مردم روستائیان ایرانی توانائی بهره برداری از این زمینها و آبهارا داشته باشند سرمایه ملی ما نباید بصورت یک منبعی درآمد که ما فقط دلخوش باشیم که ارزش بهره برداری میشود از روز اول هم که این لایحه کشت و صنعت را آوردید ما گفتیم اگر منظور این باشد که شما مؤسسات ایرانی را بپرورانید که از این سرمایه ملی استفاده کنند ما با این لایحه صد درصد موافقیم ولی اگر قرار بر این باشد که ما بعد از تجزیه تلخ منابع نفت حالا بیائیم منابع آب و زمین خودمان را بدست کمپانیهای خارجی بسپاریم این اقدام صحیح نیست نگوئید شما از خارجی میترسید ما از هیچ خارجی بیم نداریم و ما منطق ترس از بیگانه مخالفیم ولی من می گویم یک مؤسسه ایرانی شایسته است اصلاح است و برنامه گزاری های دولت حزبی شما باید آن اگر باشد را پاسخ بگوئید (مسعودی - امنیت هست آنها سرمایه گذاری میکنند آن متخصصین نفتی هم که خارجی بود بیرون رفته اند و حالا ایرانیان دارند اداره میکنند) این هم نظریه ای است که سرمایه گذاری خارجی بر سرمایه گذاری ملی ترجیح داده میشود (دکتر دادفر - الان ۲۰۰ هزار هکتار اراضی باقیمانده بفرمائید بکدام شرکت بدهید) منظور از آباد شدن این مناطق تنها این نیست که این آب مصرف بشود و تبدیل بپول بشود مقصود از آبادانی این منطقه عبارت است از اینکه عنصر ایرانی خانواده های ایرانی روستائی ایرانی بتواند در این قسمت سکنی بگزیند کار کند و از ثمرات سرمایه و ثروت ملی اش برخوردار بشود در هر حال اگر قرار بر این است که ما بگوئیم

روشنائی پیش بگیریم که بزرگها و اکثر پزشکها امکان کار داده شود نه تنها در تهران بلکه در سراسر کشور بگوئید این خیال است اگر ما بگوئیم ضوابط استخدامی اجتماعی امنیت قضائی امنیت اجتماعی و تأمین اجتماعی در سطحی قرار بدهید و آنچنان گسترش بدهید که معلم آن اندازه ای که مورد نیاز شماست بساز مانهای شمار و بکنند تحصیل کرده واجد شرایط آن اندازه که مورد نیاز جامعه قضاوت است حاضر بپوشیدن رادی قضاوت بشود شما بفرمائید اینها خیال است بنابراین ما متأسفانه نمی توانیم به یک سطحی از توافق برسیم و با هم نظر انمان را مورد بحث و بررسی و گفتگو قرار بدهیم یعنی آنوقت شما خواهید خواست که موافق و مخالف معنی و مفهومش را از دست بدهد در صورتیکه ما میگوئیم عقیده در برابر عقیده باید معنی و مفهوم داشته باشد عقیده اظهار بشود مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد بخشی که باید بعنوان یک نظریه قابل اعمال در بیاید شناخته شود و در اعمال بکار برده شود و بودجه های سال آینده بر اساس یک نظریه تکامل یافته تری تقدیم بشود اگر شما معتقدید که بعد تکامل رسیده اید جای تأسف است بهر حال بدلائلی که عرض کردم بودجه فعلی با سطحی که دارد حجم قابل ملاحظه ای دارد توانائی شکرگرفی در دل این بودجه هست توانائی های شکرگرفی در دل این ارقام هست که باید برخوردار باشیم از یک انقلاب اداری به معنی صحیح کلمه یک انقلاب آموزشی به معنی صحیح و گسترده کلمه تا ما بتوانیم از این همه امکانات استفاده کنیم من در اینجا میخواستم بعراض خودم پایان بدهم ولی یک نکته ای را بخاطر آوردم که چون سرور پزشکپور اشاره کرده بودند در مورد تعلیمات حرفه ای من عراضی خواهم کرد این عراض را میکنم امیدوارم در یکی دو کلمه اولش بفرمائید اینهم خیالی است و اجازه بفرمائید لاف در یک مورد بطور کسافی توضیح بعرضتان برسانم بیش از چهل سال است همیشه این گفتگو شده است که ما باید نسبت به تعلیمات حرفه ای مان را افزایش بدهیم شاید سال پیش بود در ستون وقایع ۴۰ سال گذشته یکی از روزنامه ها نوشته بود که ما باید به تعلیمات حرفه ای اهمیت بدهیم امروز هم همین را میگوئیم میفرمایند دو برابر شده سه برابر شده من با چند برابر شدنش

در انحنای تاریخ خود بود این قوس سعودی و نزولی تاریخ خودش به چه نقطه‌ای رسیده بود و از چه نقطه‌ای شروع کرد و به چه اوجی رسید و وجه هدفی را دنبال میکند برای اشاره باین مطلب کافی است که بنده اینجا بگویم که بودجه سال ۱۳۰۲ کشور ما یعنی دوسه سال بعد از کودتای فرخنده ۱۲۹۹ تنها ۲۳ میلیون قران بود یعنی دو میلیون تومان روزی که رضاشاه کبیر زمام امور این مملکت را در دست گرفت، ما میتوانیم اگر از دید تاریخی نگاه کنیم بحق بگوئیم که مملکت ما در این سیر تاریخی خودش در این قوس متأسفانه نزولی خودش که بر اثر دو قرن آشفتنگی و خواب غفلت و سهل انگاری از یک درجه عالی قدرت به یک نقطه بسیار حضیضی رسیده بود با طلوع ستاره پهلوی این نقطه شروع به صعود می کند و این منحنی بطرف صعود سیر می کند با چه قدم‌ها و با چه پیشرفت‌هایی مسلماً همه ما لا اقل در کتب خواننده‌ایم که قبل از سال ۱۲۹۹ وضع کشور ما چه بود اوضاع اقتصادی و سیاسی و نظامی مادر چه حد بود و چطور حکومت مرکزی وقت حتی قادر نبود دروازه‌های تهران را اداره کند چطور یک نیروی بیگانه با اسم پلیس در جنوب مستقر بود و چطور در شمال نیروهای بیگانه عملاً حکومت میکردند و چگونه مجبور بودند بعضی ایرانیان برای اینکه بتوانند خود را حفظ کنند در مواقع اضطراری پرچم‌های بیگانه را بالای سردر خانه خودشان بزنند این وقایع قبل از سال ۱۲۹۹ بود حتی تاجائی که در کشور ما کاپیتولاسیون بود یعنی حق قضاوت درباره اتباع خارجی را نداشتیم با طلوع ستاره پهلوی این اوضاع دگرگون شد تاجائی که امروز شاهنشاه مارهبر خردمند و عزیز ما و ملت ایران وقتی اراده می کند که باید نیروی انگلستان خلیج فارس را ترك کند با وجود اینکه مطلب در برنامه حزب محافظه کار انگلستان قید شده بود در موقع مقرر ترك می کند تصمیم میگیرد حاکمیت و اداره خلیج فارس را بدست ایران و سایر کشورهای ذینفع در خلیج فارس بسپارد بودجه ما باید از این نظر بررسی بشود مخصوصاً از ذکر ارقام و اعداد جزئی خودداری می کنم بدلیل اینکه این اعداد را هم ناطقین محترم اقلیت و هم لیدر محترم اکثریت با کمال وضوح و دقت کامل بیان داشتند (بگفتار نمایندگان خیلی

کامل و دقیق بود) اما شاید همه خوانندگان و آنها که به مذاکرات مجلس علاقمند هستند نتوانند یا نخواهند به این آمار جزئی توجه کنند و لذا من اگر مقایسه‌هایی را اینجا مطرح خواهم کرد در سطح کلی است در سطحی است که هر کس بتواند این مقایسه‌ها را در ذهن خودش مجسم نموده و نتیجه گیری کند فلسفه زندگی سیاسی ملت چیست؟ باین بایستی پی ببریم در هر بودجه اول باید هدف را شناخت هدف بودجه ما چیست؟ هدف بودجه یعنی هدف ملی ما چیست؟ دولت در تنظیم این بودجه و بودجه‌های نظیر بودجه امسال، بودجه درخشان و افتخار آمیز و غرور انگیز چه هدفی را دنبال می کند با اعتقاد من مملکت ما الآن دو هدف بیشتر ندارد این هدف خط مشی کلی است که برای ما ترسیم شده و ابواب بودجه، خطوط بودجه، فصول بودجه، مخارج و درآمدها برای تعیین این دو خط مشی کلی است یکی اینکه ما میخواهیم هر چه زودتر در تمام زمینه‌ها به عظمت و قدرت برسیم چه در موارد صنعتی و چه در امور اقتصادی چه در امور نظامی و چه سیاسی دوم اینکه رسیدن بآن عظمت و قدرت و رسیدن به اوج تاریخی که روزی در دنیای خودمان داشتیم؟ با رعایت اصول و ضوابط و جهات دموکراسی و تکیه بر افکار و عقاید مردم در یک قالب انسانی و مردمی باشد، این دو هدف در تمام افکار و اعمال و بودجه‌ها و قوانین ما منعکس است و این اهداف ناشی میشود از هدف ملی مملکت ما که این هدف توسط رهبر عالی قدر کشور ما برای مردم وطن ما ترسیم شده و ما گام بر میداریم یعنی می خواهم بگویم همانطور که جناب آقای نخست وزیر در نطق خودشان فرمودند ما بتاریخ باستان بر نمیگردیم من از زمان داریوش و کورش که چند ماه بعد جشنهای ۲۵۰۰ ساله آن برگزار می شود نمیخواهم مطلبی گفته باشم میخواهم بگویم دو قرن قبل در زمان نادر ما در دنیا ملتی بزرگ بودیم ما قدرت نظامی بزرگی داشتیم قدرت اقتصادی داشتیم از زمان نادر هنوز بیش از دو قرن نگذشته است در سال ۱۱۴۸ در دشت مغان تاجگذاری کرد (صحیح است) دو قرن و خورده سال است که مادارای یک نیروی نظامی بودیم که میتوانست بزرگترین امپراطوری های نظامی آن روز را بزانو در آورد (صحیح است)

نچه شد اقتصاد ما؟ راه ابریشمی را که شاه عباس کبیر ساخته بود ما اگر امروز جلب سیاحان داریم و برای اینکار میخواهیم مهمانخانه بسازیم چهار صد سال قبل در سرتاسر این مملکت ۹۹۹ مهمانسرا ساخته شده است امروز نمایندگان محترم میروند و شاهد آن هستند اینها هنوز پابرجاست چهار صد سال قبل برنامه حمایت از توریست در این کشور از کاروان‌ها بازرگان چه اهمیتی داشته است ما چنین ملتی بودیم تنها دارای نیروی نظامی نبودیم البته بل‌ها، طرق و شوارع حاکی از مدنیت اصیل ماست بعلاوه سایر مفاخر از قبیل ادبیات و فرهنگ و هنر اگر این دو قرن بر ما گذشت رنسانس صنعتی در اروپا اوج گرفت ملت‌های غرب بسوی تمدن صنعتی و اقتصادی پیش رفتند ما از این گذشته درخشان از اینهمه مدنیت غافل ماندیم چرا غافل ماندیم؟ باید به بینیم چرا غافل ماندیم چه کار باید بکنیم این همان چیزی است که تاریخ وطن ما بار دیگر ورق خورد شخصی با اسم رضاشاه کبیر ظهور کرد این ملت را نجات داد بما خیلی چیزها داد رضاشاه بما دانشگاه داد راه آهن سراسری داد، شخصیت ملی و فرهنگ ملی و بالاتر از همه وجود نازنین شاهنشاه آریامهر که توانستند این ملت را سریعتر از آنچه که پیش‌بینی میشد بسوی مدنیت واقعی و شخصیت واقعی سوق بدهند (احسن) آقایان هدف ملی ما این هست مایک ملت سرفراز و مستقل باشیم (آفرین) برای این هدف فداکاری لازم است فراموش نمی‌کنیم که وقتی در این مملکت اگر بحثی میشد کلاغی از درخت میبیرید مردم می گفتند با شماره انگلیسی هاست خیلی دور نیست ده بیست سال قبل اگر صدایی بلند میشد می گفتند خارجی‌ها این کارها را کرده‌اند ملت ما اعتماد و اعتقاد خودش را باصالت ملی بر اثر دو قرن خواب آلودی بر اثر اشغال میهن ما در شهریور ۱۳۲۰ از دست داده بود بیگانه پرستان و بیگانگان برای ما دایه‌های مهربانتر از مادر شده بودند تمام این‌ها از بین می‌رود ملت ما به آن استقلال و شخصیت خودش ایمان و اعتقاد پیدا میکند برای اینکه ما امروز می‌بینیم که رهبر کشور مادر شرق و در دنیا یکی از رهبران بزرگ جهان است (احسن - احسن) تا کسی اول بخودش اعتماد و

اعتقاد نداشته باشد تا کسی آن چیزی که اراده می کند اول خودش بآن مؤمن نباشد نمیتواند از آن بهره گیری کند همینطور است درباره ملت ما ملت و قوی مستقل و رشید و مقاوم است که اول بخودش اعتماد و اطمینان داشته باشد این اعتقاد و اطمینان بتمام معنی کلمه خوشبختانه در اثر درایت و رهبری خردمندان شخص اول مملکت در مملکت ما بوجود آمده است (صحیح است) بودجه مملکت ما در این جابجاست در اینجا گفته شد که مثلاً بودجه آموزش و پرورش کم است یا متناسب با نیاز جامعه ما نیست شاید مطلب درست باشد اما در هر بودجه يك اصل بزرگی را باید رعایت کنیم و آن اصل تعادل بودجه است آیا میتوانیم که تمام اعتبارات مملکت را آنچه‌را که تحصیل کردیم بيك بخش یا بدو بخش اختصاص بدهیم ما باید به بینیم که رشد فرهنگ رشد آموزش و پرورش ما میزان پیشرفت کار آموزش و پرورش در این سنوات اخیر چه اندازه بوده است در قبل از انقلاب تمام دانش آموزان و دانشجو یان که در مدارس ما درس میخواندند به دو میلیون نفر نمیرسید از انقلاب با بنظر به چهار و نیم میلیون نفر رسیده یعنی قبل از انقلاب اطفال لازم‌التعلیم که بمدرسه میرفتند ۲۰ درصد آنها را تشکیل میداد ولی الآن ۸۰ درصد آنها را تشکیل میدهد مادر کمتر از هشت سال توانستیم يك رکورد ۶۰ درصد یعنی ۶۰ درصد اطفال لازم‌التعلیم وطن را به آموزشگاه‌ها بفرستیم بنده میخواهم این رقم و این اندازه رشد و سرعت رشد را بایکی از کشورهای نظیر خودمان یا یکی از کشورهای پیشرفته در زمانی که نظیر ما بوده مقایسه کنم به بینیم بکجا میرسیم آنوقت می‌بینیم ما در بخش آموزش و پرورش به نتیجه‌ای که رسیدیم کمتر ملتی بآن رسیده یا توجه داشته است دلیل آن معلوم است اصولاً پی برده‌ایم و از نیت رهبر خردمند ماست که باید ما ریشه جهل و فقر را از این مملکت براندازیم ما الآن پرچم مبارزه با بیسوادی را در سطح جهانی بدوش گرفته‌ایم آموزش و پرورش در سطح داخلی فقط منحصر باین بودجه، که در این لایحه عنوان شده است نیست در بخش خصوصی برای آموزش و پرورش و آموزش عالی اقدامات وسیعی میشود و نباید آموزش و پرورش را منحصر بوزارت آموزش و پرورش

بدانیم آموزش و پرورش را باید بشناسیم با تمام اعتباراتی که در فصول مختلف بودجه برای آموزش و پرورش اختصاص داده شده آموزش و پرورش در مدارس در آموزشگاهها و دبیرستانها و هنرستانهای فنی و حرفه‌ای آموزش و پرورش از راه رادیو و تلویزیون که الآن عرض خواهم کرد چه اندازه مفید بوده برخلاف آنچه که گفته شد هدف از توسعه برنامه‌های تلویزیونی این نیست که ما سیم را بر دیم به قصبات و شهرها که فقط در آنجاها تلویزیون برقرار بشود نه در برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی ما چه اندازه آموزش میدهم و چرا رادیو و تلویزیون را گسترش میدهم برای اینکه میدانیم واحساس می‌کنیم که با این طریق آموزش نتایجی غیر از آموزش کلاس و تحصیلی که در مدارس عنوان میشود و تدریس می‌شود بدست می‌آوریم آموزش و پرورش علاوه بر رادیو و تلویزیون در سربازخانه‌های ما صورت میگیرد شما تصور می‌کنید خدمت مقدس سربازی فقط یک خدمت منحصر به فنون نظامی است نه اگر آجینا در صفوف سربازان ما کسانی هستند که از نعمت سواد بی‌بهره هستند در لباس سربازی سواد یاد میگیرند و خواندن و نوشتن یاد میگیرند آموزش در بخش خصوصی اعتباراتی که اختصاص داده میشود به تصویب بخش خصوصی کمک به مدارس ملی چه از طریق دادن معلم و اعتبارات و وام برای ساختن مدارس عالی برای استخدام استادان و دبیران اینها در سطح کلی اگر همه این آموزش‌ها را حساب کنیم و تمام تلاش‌هایی را که سپاهیان انقلاب در روستاها می‌کنند تمام تلاشهایی که در وزارتخانه‌ها و دستگاههای عمومی و خصوصی برای افراد مورد احتیاج خودشان می‌کنند مثلا وزارت کشور برای تربیت بخشدار کلاس دایر می‌کند یا وزارت پست و تلگراف برای تربیت تکنیسین‌های خود هم چنین وزارت بهداشت برای تربیت ماما و پرستار کلاس تشکیل میدهد وزارتخانه‌های مختلف برای کارهای مختلف آموزشگاههایی دارند علاوه بر همه اینها آموزشگاههایی که ارتش برای افسران و درجه‌داران خودش دارد دانشگاهی که پلیس برای خودش دارد دانشگاهی که ژاندارمری برای خودش دارد دانشگاههایی که شرکت ملی نفت برای

خودش دارد تمام این آموزشگاهها را اگر از شکم این بودجه در بیاوریم و جمع کنیم و یک کاسه کنیم با اعتقاد من یک رقم ۳۰ درصد میرسیم نمیدانم کدام مملکت را میتوانیم نمونه بیاوریم که ۳۰ درصد از اعتبارات خودش را منحصر بسام آموزش و پرورش کرده باشد و باین آموزشگاهها باید بیکار بایسواد در سطح سالمندان را در سطح زنان را که اعتبار آن از بودجه‌های خصوصی و عمومی تأمین میشود اضافه کنیم (صحیح است) چرا این تلاش هست برای از بین بردن جهل عمومی است چون پی برده‌ایم ما دامی که جهل عمومی بایسواد از کشور ما ریشه کن نشده است ما نمیتوانیم دارای یک مملکت صنعتی و اقتصادی به معنی واقعی کلمه بشویم تا امروز اگر خارجی چنانچه خواسته است در این کشور مانع از رشد ما بشود مانع از رشد اقتصادی و صنعتی مادر مسیر مصالح خودش بشود یکی از شکردهایش بایسواد نگاهداشتن این ملت بوده فراموش نکنید روزی که آن کسانی پیشقدم شدند و مدارس ابتدائی را که برای اولین بار چه در تبریز چه در تهران تأسیس کردند با چه وضعی روبرو شدند چگونه تکفیر شدند چگونه از حرفه خودشان ناچار شدند استعفاء کنند چرا؟ برای اینکه استعمار نمیخواست سیستم فتودالیته نمیخواست این ملت باسواد بشود بنده بادم هست پشت همین تربیون بود. آدمم. این تاریخ نیست شاید چهارده پانزده سال قبل بود یک لایحه‌ایکه وزارت آموزش و پرورش وزارت فرهنگ سابق تقدیم کرده بود برای اینکه در دهاتی که دولت میخواهد مدرسه بسازد مالکین ده باید زمینی متناسب با آن مدرسه را برایگان در اختیار دولت بگذارند این مفهوم لایحه بود میدانید چه پیشنهادی آمد برای اینکه ممکن بود زائد بر ۲۰۰ متر باشد گفتند چه خیر است در صورت جلسه ثبت است بلی ۲۰۰ متر مربع و وقتی من پیشنهاد کردم که لااقل دوهزار متر مربع باشد در مجلس جنجال شد شاید بعضی از نمایندگان محترم که آن وقت تشریف داشتند شاهد هستید میدانید چرا؟ برای اینکه رژیم فتودالیته که بالتبینه عصاره و چکیده استعمار بود نمیخواست در این مملکت روستازاده درس بخواند

اصولا با خود درس مخالف بود (صحیح است) اگر آن درس میخواند فتودالیسم بطور کلی متزلزل میشد اگر این فتودالیسم متزلزل میشد نفوذ خارجی اتوماتیک مانع و بخودی خود متزلزل میشد بهمین علت بود که برای اولین بار در وطن ما شاهنشاه ما در وهله اول برای مبارزه بایسواد این چنین اهمیت قائل شدند که بالاتر از سطح ملی در سطح جهانی پرچمدار شدند این رژیم فتودالیته که حامی بالقوه و بالفعل بایسواد است نمیخواست دانش بروستاها را برود چون اگر روستازاده درس میخواند طبیب میشد بروستا بر نمیگشت فتودال را قبول نداشت به آن سیستم تن در نمیداد و برای فتودال منفعتی ایجاد نمیکرد بنده خودم کیل مراغه و میان دو آب آنروز بودم در یک قریه سه هزار نفری لیلان زار عین مدرسه‌ای ساختند در زمین یکی از زارعین برای اینکه نه مالک حاضر شد کمک بکند و نه وزارت آموزش و پرورش حاضر شد که دبیر بدهد با چه اشکالات بالاخره دبیر پیدا شد آقای دکتر مهران آن وقت وزیر فرهنگ بودند و هنوز این دبیر به مدرسه نرفته بود که متواری شد ما متوجه شدیم مباشر مالک آنقدر این آموزگار را کتک زد بود که متواری شده بود اینها واقعیات است امروز چرا به امر آموزش و پرورش باین اهمیت میردازیم چون فکرمی‌کنم که وطن ما خواهد توانست به آن اوج عظمت خودش برسد و افراد وطن ما همه‌شان با نور دانش و بینش مجهز باشند و برای همین امر است که با حسابی که عرض کردم ۳۰ درصد اعتبارات ما برای آموزش در سطح کلی مصرف میشود و باید باین آموزش اضافه کنیم آموزش حزبی را در این جا راجع به نظام کلی حزب ایران نوین بحث شد بنده می‌خواهم این را عرض کنم آموزش را که ما اینجا مطرح می‌کنیم آموزشی است که در کلاس‌ها برای محصلین داده میشود در سطح برنامه کلاسیک و برنامه مدرسه و دانشگاه هیچ معلوم نیست کسی که مدرسه را یا دانشگاه را تمام کرده باشد در امور سیاسی و معاشی خودش صاحب نظر باشد او در رشته فیزیک، شیمی، طب هندسه ادبیات و در آنچه که میخواند دانشمند است اما نسبت به مسائل کلی و وطنش ممکن است بکلی بی اطلاع باشد برای همین است که یکی

از برنامه‌های حزب ما وارد کردن آموزش حزبی است آموزش در حوزه‌های حزبی است. این برای وارد کردن مردم به امور اجتماعی و سیاسی و معاش وطن خودشان است که قطعاً احزاب دیگر هم همین برنامه را دارند ولی ما علاوه بر آموزش فرهنگی آنها را باید با آموزش سیاسی آشنا بکنیم مسائل جهانی و ملی را توضیح بدیم و بفهمانیم که مصلحت ما چیست شور کنیم که مصلحت ما چیست تا ملت به مصلحت خودش پی ببرد و وقتی پی برد یکپارچه میشود کما اینکه امروز در این لحظه از تاریخ مردم وطن ما همانطور که جناب آقای دکتر الموتی فرمودند بر اساس داشتن محبت با ارادت فقط به شاهنشاه و دولت نیست بر اثر داشتن اعتقاد است که یکپارچه و متحد است. ما معتقدیم که سیستم فعلی حکومت ما ورهبری شاهنشاه مانها راه رسیدن این قافله به اوج تمدن و عظمت است (صحیح است) بنده در اینجا باعتباری باین برنامه پنج نخست وزیر و پنج دولت در بودجه‌شان صحبت کرده‌ام در پشت همین تربیون، و در آنها جز این دولت و یک دولت دیگر هرگز جنبه موافقت نداشتیم. صورت مذاکرات مجلس هست و من همیشه در ستون مخالف و در مخالفت صحبت کرده‌ام. اعتقاد دارم باینکه دولت هویدا، همانطور که آقای الموتی گفتند با صداقت و اعتقاد و با عشق دنبال آن هدف بزرگ و رسیدن بآن تمدن بزرگی است که شاهنشاه گفته‌اند و در راه آن گام بر میدارند (صحیح است)، اگر این اعتقاد را نداشته‌ایم امروز همه مردم یکپارچه، مانند یک مشت برده‌ان اجنبی کوفته نمیشد (صحیح است) خیلی از کشورها سعی می‌کنند اتحاد و انقیاد و یکپارچگی بوجود بیاورند ولی موفق نمیشوند، چرا ایران موفق شده است برای اینکه افکار عمومی مردم پی برده است که کی خادم است و کی درست می‌گوید روزی در اینجا بزرگترین آرزو و هدف ملی ما مبارزه باین گانه برای تحصیل ۳۰۰ هزار لیره عواید در روز بود. می‌گفتند هر روز ۳۰۰ هزار لیره عواید ما را می‌برد و این میشود ۲۵۰ میلیون دلار در سال، تنها از تفاوت این عایدات که بما نمیدادند سیال آینده ۴۵۰ میلیون دلار فقط از بابت مابه‌التفاوت می‌گیریم. کی این را بمملکت داد کی به این ملت خدمت میکند، این را ما

احساس می کنیم ملت هم احساس می کند، با آن عشقی که نخست وزیر تصحیح می کردند با آن جذبه ای که بیان می کردند که من می خواندم. این مردمی گوید که تاریخ از مابیه یکی یاد می کند همه عاشق وطنیم هر ایرانی عاشق وطن است. ما از اقلیت متشکریم که انتقادات آنها راهنمای ماست و احیاناً اگر ما اشتباهاتی داریم ممکن است جبران کنیم اما این مسئله را هم بگویم که ماسعی می کنیم کارهایمان بی اشتباه باشد اما در کجای دنیا میشود پیدا کرد یک فرد. یک شخصیت ولو اینها و اولیا بتوانند اتفاق نظرات جامعه روز خودشان را جلب کنند اگر اینطور بود عیسویت جهانگیر میشد. اسلام جهانگیر میشد ملاحظه می فرمائید حتی در معنویات در توجه به مبدء در زمان واحد نمیشود همه افکار را متحد کرد ما هم ادعای اینکه همه نمایندگان محترم بالاتفاق با این بودجه موافق باشند همچنین ادعا و چنین توقعی نداریم اما ادعای ما این است که ماسعی می کنیم تاجاییکه میدانیم، دولت ماسعی می کند با تمام نیرو و امکاناتش صادقانه عمل کند و برای نیل به عظمت و قدرت گام بردارد، یک نکته را هم باید اینجا عرض کنم و آن این است در یک ملت، برای اینکه یک ملت با عظمت و قدرت باشد تکنیک، صنعت، اقتصاد مهم است ولی شرط اول نیست اینها مسائلی است که در زمان خیلی کوتاهی و در یک مدت محدودی می شود به آنها رسید کشورهای که در دنیا سراغ داریم بهترین نمونه هستند فقط اقتصاد در پیش بردن فقط کارخانه ساختن. فقط جاده ساختن کافی نیست که از یک ملتی بزرگ بزرگ بسازند یک ملت و قوی بزرگ است که بعظمت شخصیت و نبوغ رهبری کشورش ایمان داشته باشد اگر این ایمان حاصل شد ملتی بزرگ می شود (جوانشیر - بفرمائید باید فضیلت اخلاقی داشته باشد) بلی همینطور است امروز برنامه ای در مملکت مامطرخ شده است که این ملت را بسوی تمدن بزرگ میرد. تمدن بزرگ این نیست که اگر ما ۵ هزار کیلومتر جاده داریم ۵۰ هزار کیلومتر داشته باشیم البته آنهم یکی از مظاهر آن تمدن بزرگ هست آن عظمت و آن قدرت و آن فضیلتی که در زمان کوروش کبیر ایران داشت و در زمان شاه

تصویب نمایندگان مردم و نظر آنها در اختیار استانداران قرار میگیرد اینها یک کار شوخی نیست، خانه های انصاف شوراهای داوری. شوراهای آموزش منطقه ای که تاکنون ۵۲ تا تشکیل شده و تمام اعتبارات را خودش خرج میکند، سپردن کار مردم به مردم را نمیشود دفعتاً واحد انجام داد، بمحض اینکه اینها مجهز شدند و برنامه ها و نقشه ها از مراحل ابتدائی گذشت من حتم دارم در سال آینده میزان اعتبارات در بخش ولایات بیشتر خواهد شد، لایحه نظام صنفی که از طرف دولت ما بمجلس داده شده است، شوراهای منطقه ای در بودجه وزارت آموزش و پرورش من دیدم ۲۰۰ میلیون تومان برای وزارت آموزش و پرورش برای کادرس در مرکز باقی مانده و بقیه در اختیار شورای آموزش منطقه ای قرار گرفته عدالت ما بروستاهای رفته انجمن های ده که آقای فرهادپور سؤال کردند لایحه اش کی داده میشود بنده نشسته بودم و باستحضار رساندم که تا ۱۵ روز دیگر وزیر کشور برای تهیه این لایحه نه تنها از کار شناسان خودش بلکه از احزاب نماینده خواست از حزب مردم و حزب ایران نوین و در آنجا از حزب مردم آقای دکتر بابک حضور داشتند و حلاجی کردند این قانون را که قانون انجمن ده و کدخدایان ماموازی با اصول انقلاب مامیباشد چون این قانون که الان مجری است مربوط به دوران قبل از انقلاب است، در مملکت ما یک افدا بزرگی صورت میگیرد که عبارت از استعمال نظر مردم در تمام مراجع خود این احزاب یا آتھائی که در مجالس قبل بودند خوب می توانند قضاوت کنند که نحوه حلاجی و بحث در بودجه قبلا چه جور بود و الان چطور است، کیفیت تقدیم بودجه را جناب آقای دکتر التوتی فرمودند، کاش فرصت داشتیم و از حوصله نمایندگان محترم سوء استفاده می کردم و چند نطق مخالف و موافق را در اینجا می خواندم که ملاحظه می فرمودید آن وقتها مطالب در مورد بودجه در چه زمینه بود و امروز در چه زمینه ای است تصور نکنید سوق دادن مردم بطرف تحزب یعنی چه برای اینکه کشور ما باین منطق رسیده است برای دمکراسی و اعمال دمکراسی و جلب نظر مردم و جلب نظر واقعی و رأی گرفته شده مردم جز از طریق تحزب امکان پذیر نیست این راهی نیست که ما اختراع کرده باشیم

این اصلی است که تمام کشورهای دمکراسی دنیا هر نوع دمکراسی که داشته باشند چه دمکراسی شرق چه غرب بآن اعتقاد دارند مگر میشود در مملکتی گفت مشروطیت و آزادی داریم ولی حزب نداریم مثل اینکه شما بگوئید خانه ای داریم که در و پنجره ندارد آیا اسم آنرا میشود گذاشت خانه؟ وقتی احزاب بودند مردم مختارند به هر صنفی که میخواهند پیوندند و هر تری که میخواهند انتخاب بکنند و مشکلات خودشان را مطرح کنند این یکی از بزرگترین مظاهر دمکراسی است و یکی از بزرگترین پیشرفتهای اجتماعی ماست، بزرگترین آموزشهای ملی و سیاسی وطن ماست و تأثیر عجیبی هم در افکار مردم داشته و خواهد داشت، حزب ایران نوین تنهاسالت این را ندارد که اکثریت قاطع در پارلمان را بدست بیاورد این حزب بیا هر حزب دیگری که مدعی خدمتگزاری است باید بتواند در افکار مردم رسوخ کند این مدت میخواهد و در کشورهای پیشرفته هم همه افراد عضو یک حزب نیستند ولی کسانی که در این مکتب و در این سنگر خدمت میکنند یک وظیفه مافوق وظیفه ملی را بعهده می گیرند دقت در امور مملکت تبلیغ هدف و فلسفه ملی و گرفتن نظرات مردم انعکاس و رساندن آنها بر هیران و مدیران جامعه و در این هدف حزب ماموقفیت های درخشانی داشته است وقتی ناطق محترم آقای بزشکپور لایحه مالیات بردر آمدرا عنوان کردند و اظهار داشتند که نظام حزبی و حکومتی شما امکان داده است که از اراضی کمتر مالیات بگیرند باید عرض کنم در زمان این دولت و این حزب قوانین گذشته است که شما در اطراف این تهران ۴۰۰ میلیون متر اراضی که مال دولت بوده و بآنها تجاوز شده بود استیفا شده و به مالکیت دولت در آمده و تمام قوانین موضوعه مالیاتی در این مسیر بوده است که ما میتوانیم عایدات را از گروهی که باید گرفته بشود عادلانه بدست بیاوریم و عادلانه توزیع بکنیم اینها به انقلاب ایران یک خصوصیتی داده و این خصوصیت شاید از خصوصیت های منحصر به فرد انقلابهای تاریخ بوده و آن این است که هیچیک از طبقات را تا مرحله از بین رفتن محکوم نکرد ما اگر آنطور که عنوان شد بخواهیم سرمایه داری را محکوم و از بین ببریم یک بخش مهمی از

صنعت خودمان را معدوم کرده ایم سرمایه دار باید امکان سرمایه گذاری داشته باشد کارفرما هم باید کارفرمای خوبی باشد کارگر هم باید کارگر خوبی باشد بجای اینکه ما کارفرما را در مقابل کارگر قرار بدهیم کارگر را در کارخانه سهمیم کردیم و آنها را برادر کردیم برای اینکه تولیدمان بالاتر برود ما عوض جنگ طبقاتی صاحب طبقاتی ایجاد کردیم و این فلسفه اساسی انقلاب ما و در نتیجه یکی از تزه های مهم حزب ما بود (دکتر مدرسی - اصل انقلاب بود یا تر حزب شما) من در بیاناتم اشتباهی کردم مثل اینکه يك رقم را پانصد و هفت میلیارد ریال عرض کردم که پانصد و هفت میلیون تومان بوده که جناب آقای دکتر قهرمان تصحیح کردند متشکر ملاحظه بفرمائید در بودجه که تقدیم شده چه اعتباری برای امور اجتماعی مثل آب، برق، بهداشت، آموزش و پرورش تخصیص داده شده و چه اولویت هایی منظور شده گفتن اینکه معلم و قاضی محترم است آسان است کسی منکر این مطلب نیست مثل اینکه بگوئیم برق روشنائی ندارد معلم البته محترم است قاضی فوق العاده محترم است افسر ارتش خیلی شریف و محترم است همه طبقات جامعه محترم است کارگر و اصناف کارمندان دولت همه محترم هستند ما اگر بخواهیم اعتبارات خودمان را تقسیم کنیم نباید به بینیم بهر بخشی چه ميزانی باید تخصیص بدهیم تا تعادل بودجه و نیاز های جامعه بر آورده بشود ما میگوئیم هنوز ۲۰٪ از افراد لازم التعلیم مسابه مدرسه نمیروند بسیار خوب این برخلاف آنچه که ادعا شد کمال مطلوب نیست هرگز این بودجه ها و اقدامات برای ملت ما و وطن ما و رهبر ما و بالمال حزب ما کمال مطلوب و ایده آل نیست، اما این نتیجه و امکانات امروز است ما برنامه ای داریم برای ده سال و بیست سال آینده که نیل به تمدن بزرگ است چطور میتوانیم بگوئیم که این کمال مطلوب ماست ما این بودجه ای را که داریم باین ترتیب تقسیم میکنیم و این تقسیم را بهترین طریق قرار میدنم نتیجه بهتر میدانیم اگر این تعادل را باین ترتیب اعمال نکنیم يك قالب غیر

طبیعی و يك نظام غیر اصولی پیش میآید اگر تمام اعتباراتمان را صرف پرداخت فوق العاده و اضافه کار به کارمندان نکنیم دیگر برای صنعت و بهداشت و مدرسه چیزی نمی ماند این مبلغ صدرا باید بسایک اصول و يك نظام بین بخشهای مختلف تخصیصی بدهیم و این همان چیزی است که ما اولویت میگوئیم این کم شده این زیاد شده و در نتیجه باید بگوئیم بودجه در نهایت ظرافت دقت تهیه شده چرا؟ بنده عرض میکنم هر عملی معلولی دارد و از هر معلولی بی علت میبرند و از هر اثری بی به مؤثر میبرند در سنوات اخیر میبینیم که نتیجه اعمال این تعادل در بودجه و این سیاست تقسیم و تجزیه در فصول و برررسی کارشناسان بودجه برای مانتيجه مطلوب داده و میبینیم در تمام بخشها پیشرفت ها قابل توجه است و بعبارت دیگر غیر قابل انکار است چرا این اصولی که بی ریزی شده و این پیشرفت هائیکه بعمل آمده بهم بزیم در این جا گفته شد که مدارس ملی و خصوصی برای بعضی از سرمایه داران که بچه هایشان را آنجا میفرستند برای همه تعلیم و تربیت راملی کنیم مثل اینکه فراموش کردید که مدرسه دولتی اگر در این کشور بوجود آمد در زمان اغلیحضرت فقید برای اولین بار فلسفه اش چه بود؟ این بود که تا آنروز آموزش و پرورش فقط در بخش خصوصی بود در طول ۳۵۰ سال سال تاریخ شما کسی را سراغ دارید که يك دانشگاه یا يك مدرسه دولت از طریق مالیات بوجود آورده باشد یا باو کمک کرده باشد اما اگر ما بوجود آوریم برای سرمشق دیگران بود بعد از چندین سال اصلا باید امر آموزش و پرورش را بدست مردم بسپاریم اگر در این تحویل و تحول و اگر در فلان مدرسه معلمی یا مدیر مدرسه ای حق التدریس زیادی می گیرد این يك کار جزئی است باید تذکر داد و نقص را مرتفع کرد اما اصله مطلب را نمیشود منکر شد اگر وزارت آموزش و پرورش کمک نمیکرد و این اعتبارات را نمیداد و هزاران مدرسه دایر نمیشد تمام بودجه وزارت آموزش و پرورش جهت تعلیم افراد لازم التعلیم تهران امروز را هم فقط کافی نبود چون حساب دارد باید دید هر کلاس چقدر خرج دارد این بودجه که به ۳۰٪ میرسد برای تهران تنها هم کفایت

نمیکرد اگر امروز می توانیم در تهران برای آموزش و پرورش سرمایه گذاری بکنیم و برسیم به روستاها و شهرستانهایمان برای اینست که ما توانسته ایم بخش خصوصی را تشویق بسرمایه گذاری کنیم نهایتاً اگر ضوابط این تشویق بداست اصلاح می شود باید تذکر داد و بر طرف کرد اما اصل فلسفه و اصل سیاست را نمیشود منکر شد پیشنهاد های کل، اظهار نظر های کل برای جلب نظر طبقه ذی نفع خیلی خوب است بنده هم میتوانم بگویم حقوق قضات کم است و واقعا هم کم است بنده هم معتقدم که قضات مردمان شریفی هستند و افتخار می کنم که اگر سابقه ای دارم قضاوت است و اگر رتبه ای دارم قضائی است بنده هم معتقدم نباید در يك مملکتی قوه قضائیه به منی کلمه مستقل نباشد آن جامعه به قوام و نظامی که شایسته يك کشور متمدن است نمیتواند برسد در این بختی نیست انگلستان هرگز به نیروی در یائش افتخار نکرده اگر تخاصری کرده به دادگستریش بوده و اگر ایرادی هم باو گرفته اند از دادگستری و احکام محاکمش بوده که روزنامه های فرانسه گذاشته اند زیر ذره بین و گفته اند که چرا اینطور شده هیچوقت نگفته که چرا در در جنگ ترافالگار شکست خورد یا کمپانی هند شرقی چرا اینطور شد ما هم اگر می خواهیم به تمدن بزرگ برسیم باید بدانیم که بدون داشتن يك قوه قضائیه واقعی، مستقل، عالم، وارد و در عین حال آشنا بوظایف خود یکی از پایه های این تمدن قوام نخواهد داشت (صحیح است) (جوانشیر - آقای دکتر دادفر خیلی معذرت میخواهم نظریه ای که فرمودید از نظر ملل غرب است که از نظر استعمار جهانی باهم متحدند ولی ملل شرق نسبت بدولت های استعماری از جمله انگلستان نظرشان جور دیگری است من فکر می کنم شما هم تأیید میفرمائید) بله، صحیح است، ما بقوه قضائیه احترام داریم نتیجه این احترام این هست که برسیم بروزی که قضات ما استقلال مالی داشته باشند استقلال مالی به معنایی که همکار میخترم آقای پزشکپور در اینجا گفته این نیست که مثلاً عوض اینکه رئیس حسابداری دادگستری يك ذبح حساب وزارت دارائی باشد يك قاضی باشد چه فرق

می کند قضات اگر رتبه ای، حقوقی دارند مگر وزیر دادگستری یا معاون دادگستری می تواند کمتر بپردازد رتبه ۱۰ قضائی يك حقوقی دارد که آخر ماه می گیرند اگر دست قاضی باشد همان است دست وزیر هم باشد همان است استقلال قضائی مهم است ما باید برسیم بروزی که قاضی میتواند برای هزینه خودش به تشخیص خودش از خزانه دولت استیفای پول بکند چون ما آنچنان قاضی باید تربیت کنیم که تا آن اندازه دارای انصاف و فضیلت باشد پس قاضی باید از نظر مالی بی نیاز باشد (پزشکپور - من نظرم اینست که قاضی استقلال مالی پیدا کند نه اینکه رئیس حسابداری دادگستری قاضی بشود) در کیفیت اجرای این اصل کلی تزه های مختلفی هست که کشورهای مختلف اجرا کردند ولی آنچه که مسلم است اینست که مابه قضات احترام داریم (صحیح است) آنها را معزز می شماریم نتیجه این احترام است که هم رئیس دولت و هم رئیس محترم مجلس شورای ملی و هم حزب ما در موارد مختلف این احترام را ابراز کردند و ما دگر بتوانیم در هر موقعی بیش از آنچه کردیم برای خدمت به قوه قضائیه و قضات محترم کشور انجام خواهیم داد در این بختی نیست یا در مورد معلمین، این درست است که مقام معلم قابل جبران با پول نیست، درست است معلم از محترم ترین صنف جامعه هستند برای اینکه هر فردی بفرمایش مولانا نمیخواستم جمله عربی را بگویم من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً آنکس که بمن يك حرف آموخت مرا بنده خود کرد بیهین جهت احترام به معلم در دین ماست و آئین ماست به معلم ما هم احترام میگذاریم اما توجه داشته باشید باینکه معلم هم در این وظیفه خطیر و مقدس که دارد نباید این وظیفه مقدس را تنها مبادله و معامه با پولی که میگیرد بکند معلم باید احساس کند پولی که از بابت حق التدریس باو داده میشود فقط بابت اعاشه اوست وظیفه او يك وظیفه روحانی و مقدسی است خوشبختانه معلمین ما باین حقیقت واقفند آموزگاران و دبیران ما با تمام محرومیت هائیکه داشته اند و باید آنها را مرتفع کنیم در این بودجه به نسبت زیادی مرتفع شده آنها به وظیفه خطیر خود اعتقاد دارند و وظیفه خودشان را بخوبی انجام میدهند این معلمین هستند که دو میلیون

و بانصد هزار نفر محصل را درس میدهند و امروز تعداد محصلین دبستانها و دبیرستانها و دانشگاهها به ۴ میلیون نفر رسیده من و شما وقتی محصل بودیم در این دانشگاه تهران سه دانشکده بیشتر نبود، حقوق، فنی و پزشکی و امروز نه تنها در محوطه دانشگاه تهران یک متر زمین خالی نمیتوانید پیدا کنید دانشگاهها و انستیتوهای زیادی را در مملکت ایجاد کرده اند در مملکت ما ۸ الی ۱۰ دانشگاه مدرسه عالی، هنرستان عالی، پلی تکنیک وجود دارد که همه از نظر تجهیزات و کیفیت تدریس قابل مقایسه با زمانی که ما درس میخواندیم نیست در ظرف ۸ سال از انقلاب باین طرف چند دانشگاه تأسیس شده و دانشگاهها چقدر توسعه پیدا کرده یک ملتی چه اندازه میتواند به امر آموزش و پرورش و جوانان خودش توجه داشته باشد آرزوی ما این است که دانشگاههای ما هر روز بیشتر توسعه پیدا کند راجع به مدارس حرفه ای گفته شد که آموزش حرفه ای پیشرفت چندانی نکرده و این کمال مطلوب شماست این هرگز کمال مطلوب ما نیست باید توجه داشته باشید که بخش آموزش حرفه ای در کشور ما بعد از انقلاب تقریباً می شود گفت باب شده و عنوان شده قبل از ۱۳۴۱ در مملکت مدرسه حرفه ای نداشتیم و اگر داشتیم یکی دو تا وبدون تجهیزات و معلم و کادر بود برای تأسیس مدارس حرفه ای عوامل و ابزاری غیر از تأسیس یک دبستان و دبیرستان معمولی لازم است مهمترین آن نیروی انسانی معلم و یا ماشین آلات است و تازه این تعلیمات حرفه ای باید متناسب با رشد صنعتی ما باشد اگر زیادتر از رشد صنعتی ما باشد یک مسأله ثانوی میشود باید یک تعادلی بین نیروی جذب قدرت صنعتی با بخش تعلیمات حرفه ای وجود داشته باشد و ما امروز خوشبختانه می بینیم این تعادل یک ترتیبی برقرار است نه بخش صنعتی ما بدون کارگر مانده نه یک تکنیسین بدون کار (پزشکپور - این را نفرمائید) باین ترتیب اگر احتیاج بیشتری هم داشته باشیم با کمال قدرت و توانائی نیروی انسانی خود در این راه پیش خواهیم رفت چون آموزش حرفه ای از پایه های اصلی پیشرفت صنعت ماست ما معتقدیم که باید این آموزش پیشرفت داشته باشد و با سرعت پیشرفت داشته باشد در این اصل بشما موافقم ولی این سرعت چیزی نیست که تنها با پول

بشود ایجاد کرد یعنی مثلاً بجای ۱۰۰ هزار تومان بگوئیم یک میلیون تومان به آموزش حرفه ای اختصاص دادیم فردا به این تناسب آموزش حرفه ای نمیتوانیم ایجاد کنیم و دایر بکنیم (دکتر حکیم شوشتری - ذوب آهن، سالی ۶۰۰ نفر فرستاده است روسیه و هندوستان) (روحانی - سازمان برنامه سمیناری داشت با بخش خصوصی برای برنامه ریزی و اشتغال نیروی انسانی و تعلیمات حرفه ای) متشکرم، همانطور که اشاره کردند صنایع بزرگ مادر ما مکلفند برای رفع احتیاجات خودشان کادرفنی تربیت کنند، ذوب آهن، کارخانجات ماشین سازی و حتی بخش خصوصی. ما می شنویم که بخش خصوصی در صنایع کشور برای رفع احتیاجات خودشان آموزش های زیادی دایر می کنند و این امر در برنامه دولت هست باید پیشرفت بیشتری داشته باشد و این بخش توسعه پیدا خواهد کرد (پوربابائی - بفرمائید این قانون کارآموزی که اخیراً تصویب شد یکی از کارهای دولت است در این مورد) امروز آقای نخست وزیر در اینجا نطقی کردند بنده هم مانند همه همکاران با تمام احساس خودم متوجه نکات ظریف این نقطه بودم یک مطلبی گفتند که خیلی اساسی است و آن همین مطلب است که مردم ایران را امروزه صفوف حزب ایران نوین سوق داده و به دولت هویدا خوشبین کرده البته من مفهوم آن را میگویم نه عین جملات ایشان را ایشان گفته، ممکن است اشتباه بکنم، ممکن است بعضی امور را فراموش کنیم اما در انجم وظایف خود و در رسالت خود صداقت داریم امروز ملت ایران پی برده است که نظام حزبی، و کسانی که در سنگر این حزب برای این مملکت فعالیت می کنند در کمیسیونها و کمیته های حزبی بحث می کنند همه این بحث ها و بگویم گویاهای صادقانه و عاشقانه برای رسیدن یک هدف است و آن نبل به عظمت و افتخار و غرور است (صحیح است - احسن) این را مملکت پی برده است ممکن است هر فردی یا هر دولتی اشتباه بکند اینهمه وقایع تاریخی در دنیا اتفاق افتاده بزرگترین سیاستمداران هم ممکن است در یکی از اعمالشان آنچنان که لازم است مسائل را درک نکرده باشند اما خوشوقتیم که تا بحال

به حزب و دولت ما آنچنان اشتباهی نسبت داده نشده که احياناً مصالح ملت را از یاد برده باشیم (صحیح است) این حزب کافی است که توانسته است نظام دموکراسی را در مملکت تعمیم بدهند و نظام صحیح مدیریت برقرار بکند و پیشرفت های چشم گیر اقتصادی و صنعتی را در مملکت اداره بکند و بالاتر از همه توانسته است مجری صدیق و وفادار برای اهداف و نیات بزرگ شاهنشاه آریامهر در مملکت باشد (صحیح است - احسن) بنده قصد اشاره به اعداد و ارقام را ندارم ناچارم بعنوان یک فرد حزبی و یک نماینده مجلس و یک عضو فراکسیون حزب ایران نوین از رئیس محترم فراکسیون که در طی چندین ساعت با کمال دقت این ارقام را شگفتند تشکر کنم ایشان بار ما را سبک کردند اما اگر ما بعضی ایرادات شهری داریم، بعضی ایرادات منطقه ای داریم میدانید از کجاست از اینجا است که سطح توقع بالا رفته خود من در این شهر در سال ۳۲ قاضی بودم در دادگستری، در آپارتمانی که زندگی می کردم از آب انباری آب میخوردم که از جویهای روی آب می آمد و این آب انبار پر میشد و ما پارچه ای می بستیم به شیر آن برای اینکه آب آن کرم میگذاشت چون هر سه ماه یکمرتبه تخلیه میشد و برای خوردن جناب آقای رامبد این گسارها می آمدند وسطی یک قران آب توزیع می کردند که هر خانواده یک دوسطل میخورد این قضیه خیلی دور نیست مربوط به ۱۵ سال قبل است اما بنده وقتی در اروپا بودم در زمان ملی شدن نفت که داستان ملی شدن نفت ایران امروز ایران را مثل امروز بسر زبانها انداخته بود ولی آروز مطالبی که روزنامه ها راجع به ایران می نوشتند ما محصلین ایرانی در پاریس غرق خجالت می شدیم ولی امروز مطالبی که می نویسند ما و دانشجویان ما غرق افتخار هستیم آروز یک همکار دانشجوی من مقاله ای از روزنامه فیگارو را بمن نشان داد که در آنجا ترتیب توزیع آب تهران را نوشته بود و می گفت شما اینطور آب میخورید دیدم چه بگویم در ظرف ۱۵ سال نه تنها تهران ما آب لوله کشی دارد بلکه تهران بزرگ تا ۵۰ سال با پیشرفت سدهای کرج و فرحناز دارای ذخایر مطمئن آب شده نه

تنها تهران هیچ شهر بزرگ و هیچ بخش بزرگ حتی دهات را باید عرض کنم نخواهد بود که از آب لوله کشی استفاده نکنند از وزارت آبادانی و مسکن از این نظر متشکریم که هر کاری که برای هر شهرستان می کند و هر اقدامی که در هر روستا می شود معاون پارلمانیش خودش را برای نمایندگان آن منطقه می فرستد من حساب کردم در حوزه انتخابیه بنده در ۲۷ ده لوله کشی آب شده با مشارکت مردم و کمک وزارت آبادانی و مسکن در ظرف ۱۵ سال ما مسأله آب را در سطح مملکت حل کرده ایم این ترقی چشم گیر است این عجب است برقی که در یک محدوده مخصوص در تهران داشتیم آنهم با ۲۰ شرکت خصوصی امروز صحبت از برق سرتاسری می کنیم روزی که مادر اروپا بودیم باترن که رده میشدیم و این پایه های فازی را که الآن در مملکت ما فراوان است در وسط مزارع میدیدیم نمیدانستیم چیست وقتی می پرسیدیم می گفتند این انتقال برق است خود من نمیدانستم و خجالت کشیدم ببرسم برق که این نسیم ها را لازم ندارد لابلدیک کارخانه ای دارد که توزیع می شود حالا صحبت شبکه برق سرتاسری مملکت است حالا می بینیم برق سد دز می رود به سفیدرود و آن یکی به سد ارس تا کرانه های گرگان از یک طرف اصفهان و از یک طرف شبکه دور دریاچه رضاییه همه بهم وصل می شوند و این پایه های فازی که نشانه ای چشم گیر و بقول همکار عزیزم آقای جوانشیر نشان مدنیت در تمام نقاط مملکت سر بر آورده و این برق توزیع می شود و دزد اختیار صنعت و کشاورزی و چناب عمیق و احداث کارخانجات مختلف قرار میگیرد آنوقت ما می فهمیم که در ظرف ده دوازده سال چه تفاوتی حاصل شده ماهمه در تهران زندگی می کردیم روی سخن من تمام مردم است هر کس زندگی ۱۰ - ۱۵ سال قبل خودش را مقایسه کند می بیند که سطح زندگی اش از کجا بکجا رسیده این رفاه عامه بر اثر مجاهدت شده بر اثر صداقت شده بر اثر کار شده و از همه بالاتر در اثر یک رهبری عالی باین خطوط اصلی مشخص پیشرفت که طراح بزرگ کشور مطرح کردند بدست آمده (صحیح است - احسن) ما چه میخواهیم؟ هر ایرانی دلش میخواهد که عظمت و قدرت مملکت چهل بیست و پنج جای شبهه نیست منطوق و عقل و دلیل است که

بشهادت قابل اثبات نیست بقول فقها دلیل عقلی است نقلی نیست بهر دلیل که ما ببینیم و بهر سنجش که ما بسنجیم در این مملکت هیچکس باندازه شخص اول مملکت به آبادانی . عظمت . قدرت و سعادت مردم این مرزوبوم علاقمند نیست (صحیح است) اگر چنانچه شما می بینید فرزندان ما را بعضی ها در خارج اغفال می کنند یا بعضی منفی بافها در قشر جامعه پیدا میشوند این قبیل حرکتها هنوز متأسفانه آثار نفوذشومی است که کشور ما بعد از شهریور ۱۳۲۰ بر اثر اشغال خاک وطن ما بوسیله بیگانگان دچار شده است (صحیح است) امروز ما در یک منطقه ای از دنیا قرار گرفته ایم همانطور که اشاره کردم بدون اینکه با ایسم یک کشوری سروکار داشته باشیم اعم از اینکه شرق باشد یا غرب و با همه ممالک هست دوستی داده ایم و بسوی ترقی و پیشرفت با تازها و روشهای ایرانی و متد ها و راه‌حلهای ایرانی و برای ملت ایران و این بزرگترین افتخار دولت ما حزب ما است (احسن است) راجع به بهداشت صحبت شد یادمان نغیرود سنواتی که وقتی مرض تیفوس میآید به مملکت مرضی که از فقر و بدبختی میآید یا وقتی یک مرض دیگر شایع میشد بقول معروف در بیمارستانها مکرور کریم پیدا نمیشد . درست است که هنوز وضع تختخواب و بهداشت مثل سایر امور برای ما کمال مطلوب و ایدآل نیست و ما باید روز بروز بیشتر در این قسمت پیشرفت کنیم اما ۱۰ سال قبل از انقلاب کارگر مانه تنها یک بیمارستان بلکه یک درمانگاه هم در اختیار نداشت ولی امروز کارگران ما بیمارستانهای مجهز سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران را در اختیار دارند . امروز پیشرفت بخش خصوصی در امر درمان قابل انکار نیست امروز بیمارستانهای ما کیفیت معالجه و مداوایش حتی قابل مقایسه با دو سال قبل نیست ما در دو سال گذشته یکی از سه کشوری بودیم که بر علیه سرخ مملکت را وا کسینه کردیم اگر وبتائی میرسد قبل از اینکه بمرز برسد تمام مردم وطن در طی یک مدت محدود و اکسینه میشوند اما شنیدید که در بعضی از کشورهای همجوار

ما این التور که در آنجا بود چقدر تلفات دادید کشور مگر چقدر با مر بهداشت میتواند بپردازد و البته این برای ما ایده آل نیست و باز هم بهتر و بیشتر بجلو میرویم ، یک مسئله ای عنوان شد راجع باینکه چرا بعضی شرکتها ی خارجی از اراضی زیر سد مابره برداری میکنند گرچه این مطلب در موقع تصویب لایحه کشت و صنعت بطور دقیق بحث شده ولی لازم دیدم تذکر بدهم که سدی که ساخته شده اگر ما کانالهای آبرسانی راهم بسازیم آن ایراداتی هم که از نظر پر شدن سد از گل و لای هست بر اثر اعمال روشهای علمی بر طرف کنیم اگر زارع نداشته باشیم که این زمین را بکار د با ابزار کشت و کار نداشته باشیم که فایده اش چیست ؟ آآن درخوزستان در اراضی زیر سد دز این یک قضیه مالی نبود که خارجی بهره برداری کند اولاً این شرکتها یی که آمده اند در ایران هستند و شرکتها ی ایرانی هستند تابع نظریات و قوانین ایران هستند یکی از شرکای این شرکت کشت و صنعت یک شرکت خارجی است این شرکت سرمایه میآورد تکنیک میآورد و طرز بهره برداری میآورد و نتیجتاً وقتی سرمایه گذار ایرانی دید که فلان شرکت چطور بهره برداری کرد و چطور محصول کاشت و برداشت و فروخت تشویق میشود که قسمت دیگر اراضی را برود و آباد کند (پزشکیپور) نمیشود شرکت سهامی زراعی را پیاده کنیم بدیم سرمایه گذار ایرانی یعنی بجای آن خارجی یک شرکت سهامی زراعی ایران بیاوریم ؟ این که بحث شد جناب پزشکیپور بحث در کیفیت قرار دادها است بنده اصول را تذکر میدهم و وارد جزئیات نمیشوم درباره اینکه چطور وزارت آب و برق با اینها قرار داد بسته صحبت نمیکنم اما عرض من اینست که اگر میگوئیم سدداریم ، آب داریم ، کانال داریم سدمایر نمیشود اما کشاورزی و نیروی انسانی با سرمایه بحد کافی و مهارت حتی برای بهره برداری نداریم نتیجتاً تمام این کارهای ماتار سیدن بحد زارع هدر خواهد شد لذا باید بموازات ساختن سد ب فکر بهره برداری از سد باشیم اگر خودمان امکاناتمان محدود است از سازمان های خارجی استفاده بکنیم علاوه در این مملکت وقتی ما میتوانیم یعنی بااراده رهبر ما وقتی میفرمایند که باید انگلستان از خلیج فارس برود میروود دیگر آمدن چهار نا

کشاورز اینجا و بادو تاترا کتور کار کردن که برای ما مسئله ای نیست اگر آمدند در کشور ما در یک نقطه ای سرمایه گذاشتند و آباد کردند تحت قوانین و نظامات ما یک گوشه مملکت آباد تر شد و بعد هم این کار خاتمه یافت و رفتندی کار خودشان چه عیبی دارد (اخلاقی) اسمش نراقی است این سرمایه دار ایرانی است از اسم نراق معلوم است که ایرانی است) با توجه به بودجه مادر سال ۱۳۵۰ که بقول معروف یک بودجه رکوردی است و در تمام تاریخ مشروطیت بودجه ای باین عظمت به مجلس تقدیم نشده سال آینده ما شاهد جشنهای ۲۵۰۰ ساله هستیم بنده علاقه دارم که در این مطلب چند دقیقه ای وقت نمایندگان محترم را اشغال کنم و این مطلب را مخصوصاً عرض کنم که برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله نه یک هوس است و نه یک فانتزی برگزاری این جشنها آن اندازه برای بالا بردن غرور و شخصیت و فضیلت ملی ما اهمیت دارد (صحیح است) که ما باید افتخار کنیم که در این زمان در دنیا هستیم و شاهد برگزاری این جشنها باین عظمت و افتخار میباشیم برگزاری این جشنها یکی از برنامه های کلی معتقد کردن مردم بقدرت خودشان کردن مردم به ملیت به استقلال به تاریخ و عظمت خودشان و معتقد کردن مردم به هدف آینده خودشان است و ما میخواهیم بگوئیم ۲۵۰۰ سال در این دنیا تاریخ شاهنشاهی و مدنیت داریم ما میگوئیم دنیا ! اگر امروز آمریکا و شوروی و دو قطب مافوق قدرت جهان هستند در دو هزار سال قبل ایران و روم دو قطب مافوق قدرت جهانی بودند ما میخواهیم بگوئیم اگر بکروزی در جنگ بین الملل اول دول متفق در فرانسه نیرو پیاده کرد خشایارشا ۲۰۰۰ سال قبل ۵۰ هزار نفر نیروی دریایش را برد در یونان نیرو پیاده کرد آنوقت ما دارای آنچنان نیروی دریائی بودیم شما ببینید یک ملتی ۲۰۰۰ سال قبل با مسائل فنی و تکنیکی آروز بقول گر نفون و هرودت مورخین یونانی لا اقل بتواند ۵۰ هزار نفر سرباز از دریای مدیترانه بگذراند و در یونان پیاده کند دارای چه نیرو . چه عظمت ، چه تشکیلات و چه قدرت دریائی میباشد ما میخواهیم بگوئیم اگر ما حاکم بر خلیج فارس هستیم بخاطر این سابقه تاریخی

است این جشنها باین خاطر برگزار میشود که ملت ایران بدانند چه بوده کجا بوده به کجا رسیده و به کجا باید برسد این برای مردم وطن ما غرور میآفریند ، افتخار میآفریند نام کشور ما را بین کشورها بلند آوازه میکند توجه رؤسا و زعمای کشور هارا باین ترتیب بسابقه ادب و تاریخ و فرهنگ و هنر ما جلب میکند و در نتیجه مقام معنوی ما را در بین کشورها بالائی بزد وقتی بالا برد یک کشوری که بعنوان کشوری مستقل کشوری دارای مدنیت کشوری دارای تاریخ ، دارای سن و دارای اعتبارات فرهنگی شناخته شده . این کشور مصون از تعرض است ، محترم است ، احترام کشور به جهت ظواهر کار نیست بقدرت نیست ، یک کشور خیلی چیزها لازم دارد تا بتواند بین سرها سر باشد و این جشنها بهمین خاطر برگزار میشود . این مطالب را از این جهت عرض میکنم که دنیا بداند جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی یکی از ارکان این کار است همانطور که نیروی نظامی مایکی از آنهاست و بهر صورت جشنهای ۲۵۰۰ ساله برای ما غرور ، افتخار . شخصیت و عظمت بیشتری تحصیل خواهد کرد و بخصوص در آستانه این جشنها یک افتخار جاودانی و جهانی کشور ما کسب کرد و تحت رهبری و مدیریت شاهنشاه آریامهر همانطور که در اینجا توضیح داده شده ما توانستیم در روابط مالی گروه کشور های تولید کننده مواد خام و کشور های صادر کننده مواد صنعتی اساس و پایه ای بگذاریم که آآن بعضی از کشور های تولید کننده گندم و پنبه ، منگنز و زغال سنگ ب فکر تشکیل اتحادیه آن نظیر اپوک و ب فکر بدست آوردن مزایائی نظیر آنچه مسادر نفت بدست آوردیم افتاده اند . اینها همه حاکی از پیشرفت و ترقی وطن ما است اینها همه حاکی از اینست که کشور مادر راهی که پیش میرود مجربان بودجه مأموران قابل هستند که میتوانند این اهداف را بدست بیاورند و ما امیدواریم سالیان سال شاهد پیشرفتهای روز افزون و بلکه نه تنها پیشرفت در زمینه مالی بلکه پیشرفت در تمام زمینه ها باشیم تا جائیکه لا اقل در موارد اجتماعی در آن بخشهایی که وطن ما نیاز دارد از قبیل آموزش و پرورش و بهداشت بحث اینها را در بودجه نداشته باشیم اگر روزی بحث در بودجه این بود که در فلانجا درمانگاه بسازند امروز

بحث ما این است که ما در مملکت از بلایا و از امراض جلوگیری بکنیم و بکروزی که آبروز قطعاً دور نخواهد بود بحث ما باید این باشد که برای کیفیت کشف و تحقیق در فلان بیماریها و امراض چه یا چقدر بودجه تخصیص دادیم امیدواریم که در آینده نزدیک بحث بودجه ما بآن حد برسد و یک آرزو داریم و آن اینست که نظام مدیریت مملکت تحت رهبری شاهنشاه بزرگ ما برقرار و پر دوام بماند (صحیح است - احسن) ماو دیگران سربازانی هستیم هر کدام در سنگر خودمان آنچه از دستمان برمیآید عمل میکنیم سربار را میشود دیگری جایگزین او بشود ولی این فرمانده است و افسران که پیدا کردن جانشین برای او مشکل است باید شاهنشاه در ایران پایدار بماند (احسن) ما سربازان در اینجا خدمتگزارانی هستیم چه در این صف چه در آن صف این خدمتگزاران وظیفه خود را بنحو خوبی انجام خواهند داد و من مجدداً از دولت حزبی خودمان که افتخار تقدیم چنین بودجه مشتع و درخشانی را بمجلس داشته و در این چند سال اخیر با قدمهای عجیب بسوی پیشرفت گام برداشته و در دوران حکومت خودش بودجه مملکتی را الاقل سه برابر رسانده تشکر و سپاسگزاری میکنم امیدوارم دولت حزبی و وزرای حزبی مساکر شتاسان دستگام ما با احساس مسئولیت عمیقی که در برابر شاهنشاه و مردم و مجلس شورای ملی دارند موفق و موافق باشند (احسن - احسن)

رئیس - آقای قاضی زاده بفرمائید.

قاضی زاده - با اجازه مقام معظم ریاست محترم مجلس شورای ملی، طرز تفکر مذهبی بنده امر میکند که این حقیقت را عرض کنم که این خدمات مشتع که در سایر رهبری شخص اول مملکت برفع این ملت و برای تعالی این کشور صورت گرفته است جز تأییدات الهی و توجهات ذات اقدس الهی چیز دیگری نیست و ما باید از خداوند تبارک و تعالی بخواهیم که شاهنشاه ما را برای این ملت حفظ کند (احسن، آفرین) البته بودجه ای که دولت تقدیم مجلس شورای ملی کرده است ماکه در وزارت دارائی بودیم و شاید ناظر تنظیم بودجه ما بودیم برای ما بیشتر از هر کس محرز و مسلم است که بودجه بسیار جامع و مانعی است و از این جهت بدولت تبریک عرض

میکنم باز هم وظیفه مذهبی من امر میکند که به صدق من لعم بشار المخلوق لم یبشکر الخالق، از توجهی که دولت حاضر بر فاه و آسایش کارمندان دولت نموده است از صمیم قلب اظهار تشکر بکنم که در حدود ۳۰۰ میلیون تومان برای مرحله اول قانون استخدام کشوری در نظر گرفته و ۱۵۰ میلیون تومان یک پایه ترفیع برای کارمندان در مورد اشتباه محاسبه ای که مورد انتظار کارمندان بوده منظور که عرض کردم طلسمی شده بود و این طلسم بدست دولت شکسته شد اظهار تشکر میکنم و از کمکی که به صندوق بازنشستگان و افزایش کمک کرد ۳۶ میلیون تومان اظهار تشکر و امتنان میکنم بنده این مطلب را میخواستم خلاصه عرض کنم و باز هم عرض میکنم که ترضیع وقت نمایندگان محترم را بنمایم (احسن) و بهمین جهت مخصوصاً معانی فراوان را ضمن جملات کوتاه بیان میکنم و عرض میکنم که کارمندان دولت که دارائی اصلی دولت اند و باید به بهترین وجه از وجود آنان استفاده شود همیشه در خدمتگزاری مضایقه نکرده اند (صحیح است) و همه در این یک کلمه همصدا هستند و آن اجرای نیات و منویات شخص اول مملکت است (صحیح است) امیدوارم که دولت حاضر برای اجرای منویات شاهنشاه پیش از پیش موفق و منصور باشد دولت نسبت به بازنشستگان و رفاه و آسایش وراثت کارمندان دولت هم عنایت کرده است و فلسفه این امر اینست که به شاغلین این اعتماد را بدهد که در موقع بازنشستگی همانطور که کارمندانی در گذشته باین آب و خاک خدمت کرده اند مورد توجه هستند در آینده توجه داشته باشند که رفاه و آسایش آنها همیشه مطمح نظر دولت خواهد بود. بدیهی است تشویق کارمندان و رفاه و آسایش آنان موجب خواهد شد که کارها بهتر و سریعتر و با صرفه تر انجام و در نتیجه موجبات رضایت کامل مردم و شاهنشاه فراهم خواهد گردید از توجهی که بعراضم فرمودند مخصوصاً از حوصه مقام ریاست اظهار تشکر مینمایم (احسن).

رئیس - نظر دیگری در کلیات آخر لایحه نیست؟

(اظهاری نشد) نسبت بلا لایحه بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور رأی میگیریم خانمها و آقایانی که موافقت خواهند

میکنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. لایحه برای فنی کشاورزی در مورد برنج شماره ترتیب چاپ ۱۶۶۴ اظهار ملاحظات به مجلس سنا فرستاده میشود آقای دکتر بگانه بفرمائید.

دکتر بگانه (وزیر مشاور) - از طرف دولت اجازه میخواهم نهایت تشکر دولت را مخصوصاً از مقام ریاست و امعان نظری که نمایندگان محترم در مورد بودجه فرمودند بساحت مقدس مجلس شورای ملی تقدیم کنم.

۳- تصویب صورت جلسه روز سه شنبه (۱۱) اسفند

رئیس - صورت جلسه صبح روز سه شنبه خدمت خانمها و آقایان توزیع شده نظری نسبت بآن صورت جلسه نیست؟ (اظهاری نشد) صورت جلسه تصویب میشود.

۴- قرائت دستور و تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه

رئیس - دستور جلسه آینده قرائت میشود.

(شرح زیر خوانده شد)

دستور جلسه ۲۳۹

روز سه شنبه ۱۸/۱۲/۱۳۴۹

۱- گزارش شور دوم تمدید دوره موافقت نامه دولت شاهنشاهی ایران و چین ملی مربوط به همکاری

۲- گزارش شور دوم تأسیس صندوق عمران مراغه شماره ترتیب چاپ ۱۶۶۵
۳- گزارش شور دوم تشکیل سازمان تفریح قوانین شماره ترتیب چاپ ۱۶۶۷
۴- گزارش شور اول واگذاری خانه های ساخته شده به زلزله زدگان خراسان شماره ترتیب چاپ ۱۶۴۸
۵- گزارش شور دوم الحاق یک تبصره بقانون اعطای ششصد میلیون ریال اعتبار به بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران شماره ترتیب چاپ ۱۶۴۷
۶- گزارش شور اول اصلاح قانون اجازه عضویت ایران در کمیته بین المللی مشورتی پنبه شماره ترتیب چاپ ۱۶۵۸
۷- گزارش شور دوم راجع به ۴۴ فقره تصویب نامه های دوره فترت شماره ترتیب چاپ ۱۶۶۲
رئیس - با اجازه خانمها و آقایان جلسه را ختم میکنم جلسه آینده ساعت ۹ صبح روز سه شنبه هفته آینده خواهد بود.

(ساعت چهار بعد از ظهر جلسه ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی